

دکتر باقرپور کاشانی



جمع فضل و مهربانی خدا با خلود
و ماندگاری جمعی در دوزخ

جمع فضل و مهربانی خدا با خلود و ماندگاری جمعی در دوزخ

یکی از دوستانی که ما در خدمت‌شان بودیم، ایشان یک خوابی می‌بیند. یعنی منشاء این شبهه‌ای که دارم بیان می‌کنم برمی‌گردد به خواب یکی از دوستان.

خواب این است که ایشان ابلیس را در خواب می‌بیند. یک چهره کریه‌المنظر به او می‌گوید که تو خدا را مهربان می‌دانی، تو خدا را حکیم می‌دانی، اما بدان که اشتباه می‌کنی! بعد می‌گوید این چه حکمت و رحمتی نسبت به این جنایتکارها هست؟!

این بنده خدا به من گفت این خواب را دیدم و آمدم از تو سؤال کنم. ببینید گاهی وقت‌ها القاءات یا مکاشفات، مکاشفات شیطانی هست! ما خواب شیطانی داریم. شیطان یک مسئله‌ای را به یک نفر القاء می‌کند. حالا یکی مثل این شبهه را القاء می‌کند، گاهی وقت‌ها یک حس بد را نسبت به یک

حقیقت خوب القاء می‌کند! پس گاهی وقت‌ها یک کشف، کشف شیطانی هست! یک چیز نادرست را القاء می‌کند.

خلاصه ایشان این خواب را دیده بود. آمد به من گفت و جوابی که من به او دادم این بود که گفتم شما این را باید بدانی که خدا، این شمر را که خلق کرده، این شمر وجودش رحمت هست، خودش خواسته دیگر در جهت رحمت قرار نگیرد! این‌ها را گفتم ولی باز ذهن خودم درگیر شد!

خدا بیامرزد مرحوم شیخ باقر علم‌الهدی، در مدرسه آقای خوئی بودیم، رفتیم از ایشان هم این شبهه را سؤال کردیم. او هم دقیقاً همین حرفی که من به او گفتم زد. باز ما بحث را مطرح کردیم گفتیم درست است از باب رحمت خلق کرده وجود دارد، اما نتیجه‌اش چه می‌شود؟! چون این نتیجه‌اش نعمت هست! به آن‌هایی که ظلم می‌کند جنایت می‌کند این‌ها آخرش می‌گویند وارد بهشت می‌شوند! آخرش چه کار می‌شود؟ خدا برای چه اصلاً این را می‌خواهد خلق کند؟! ذهنم درگیر بود!

این را از یکی دیگر از اساتید، آقای مردانی پرسیدم. ایشان هم رفت در همان وادی و این طوری جواب داد. خدا رحمت کند.

تا رسیدیم به استادمان آیت‌الله سیدان و من دوباره همین سؤال را مطرح کردم. ایشان دوباره باز همین جواب را داد. گفتم این‌ها همه را می‌دانم. خودم هم اول به همین رسیدم اما به نظر من جای بحث دارد. ایشان گفتند یک

مطلبی را من به شما می‌گویم. ادامه دادند ما درس خارج مرحوم شیخ هاشم قزوینی بودیم. ایشان در درس خارجش یک‌سری روایت‌هایی را خواند. روایت‌ها این بود که این‌هایی که خالدین فیها هستند، خداوند در قیامت این‌ها را مخیر قرار می‌دهد بین وجود داشتن عذاب و معدوم شدن. می‌گوید اگر می‌خواهی باشی باید تا ابد در آتش باشی! یا می‌خواهی کان لم یکن که انگار کأنه اصلاً نبودی معدومت کنیم؟! حالا ممکن است یک نفر اشکال بگیرد که بالاخره آن همه آدم را کشته چه؟ آن مقدار آدم را کشته در برزخ فشارها را دادند. اما از خالدین فیها خارج می‌شود، معدوم می‌شود. اصلاً انگار نبوده! می‌گفت همچین روایت‌هایی هست، فرد را مخیر قرار می‌دهد بین اینکه بود و نبود.

حالا اگر فرض کنید عدم را انتخاب کند بگوید من معدوم بشوم. معدوم شدن اینکه اول اصل این جناب شمر در معرض رحمت قرار گرفته، مدتی هم بوده. اما معدوم وقتی شود، این‌طوری نیست که خالدین فیها کار را سنگین می‌کند تا ابد بخواهد بشود. اما بالاخره یک مدت بوده در دنیا، عشق و حالش هم کرده، ظلمش هم کرده، یک مقدار فشارش هم دادند، بعد هم معدوم شده است.

اما این خالدین فیها کار را مشکل می‌کند! این را باید چه کارش کنیم!؟

من آن جا سؤال کردم کدام آدم عاقلی می آید مثلاً فرض کنید بگویند من وجود داشته باشم بروم در آتش! این چه کاری هست!؟

می روم معدوم بشوم دیگر! پس همه معدوم شدن را انتخاب می کنند! ایشان یک بحثی را مطرح کرد که این بحث دقیقاً در قرآن هم مطرح شده. اول روشن بشود بحث خالدین فیها در آیات فراوانی در قرآن آمده در روایت آمده که جمعی تا ابد در دوزخ اند.

این یک بحث بود. یک بحث دیگری در قرآن و روایتها آمده که خداوند خلف وعده نمی کند، خلف وعید می کند!

یعنی خداوند می گوید این کار را انجام بدهی پاداش می دهم، صد در صد پاداشت را می دهد! اما بگویند این کار را انجام بدهی عذابت می دهم ممکن است به آن اندازه عذاب ندهد، یا اصلاً عذابت ندهد! بنا به فضلش بخواهد برخورد کند، بنا به عدلش نخواهد برخورد کند!

دانشجو:

ممکن است اصلاً عذابی وجود نداشته باشد؟

دکتر باقرپور کاشانی:

نه اگر مطلق بخواهد باشد، چنین چیزی نیست. به خاطر اینکه پیامبر رفته و گزارش از معراج داده. پیامبر رفته و دیده مسائل این طوری هست. خود دوزخ خلق شده هست الان؛ خود بهشت خلق شده هست الان.

این جا، این مسئله مطرح می شود که این خدا که فرد را مخیر قرار می دهد، آن فرد چه کار می کند؟ می گوید باشم عذاب ببینم.

چرا این انتخاب را می کند؟

این به خلف وعید خداوند تکیه می کند!

می گوید گفته خالدین فیها، ولی ممکن است بعد از سه هزار سال، ده هزار سال ما را خارج کند! عدل این است که خالدین فیها باشد.

دوست دارد نسبت به حبّ ذاتی که دارد می گوید باشم، منتها اینگونه که امید دارم به رحمت تو باز! امید دارم به خلف وعید تو!

لذا الان بحث سر این نیست که حالا مثلاً شمر، عدم را انتخاب می کند یا وجود را. اصلاً روی آن مصادیق بحث نمی کنیم. می خواهم بگویم اختیار هست. هر کدام را انتخاب کند، جهتی که انتخاب می کند همین هاست.

یک نفر امید دارد یک نفر امید ندارد. آن جا هم اختیار طرف انتخاب طرف هست. جبر دیگر نیست! خودش می تواند یکی از این راهها را انتخاب کند.

پس اینکه زمینه رحمت را در خالدین فیها شاید برای جمعی به صفر برساند، می بینیم نه این مسئله می تواند که اگر عدم را انتخاب کند یا ممکن هست که آن کسانی هم که جنایتکاران تاریخ بودند، بعد از میلیون ها سال، میلیاردها سال عذاب، بالاخره جهت رحمت نسبت به آنها مطرح شده باشد. یعنی خلف وعید شامل این افراد بشود.

حالا باید نگاه کنید روایاتش را در بیارید. دوستان اگر فرصت کردید بررسی بکنند تفحص بکنند ببینید این روایاتی که آمده که مرحوم شیخ هاشم قزوینی گفتند و استاد ما در درس خارج ایشان نقل کردند، چیست و بررسی بشود. اما فرض کنیم که اصلاً این روایات هم تا بررسی نکردیم بالاخره یک احتمال را در نظر بگیریم چه اشکالی دارد این را معدومش کند!

اگر بحث سر این باشد که خلف وعید مطرح باشد، خالدین فیها هم وعید هست! معدوم کردن این فرد هم هیچ گیری ندارد! می تواند از باب وعید باشد خلف وعید باشد. چون وقتی چنین چیزی مطرح هست دیگر حرفی باقی نمی ماند. حتی به عنوان یک احتمال ولو اینکه هیچ روایتی هم نباشد به عنوان یک احتمال که اینکه اصل قرآن هست که خلف وعید برای پروردگار مطرح هست، می تواند این خالدین فیها، این گونه باشد که فرد با اختیار خودش معدوم شود.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpoor-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir